

# بررسی نقش فرد و نهادهای اجتماعی

## در تحقق امنیت اجتماعی\*

- محدثه جلیلی زاده<sup>۱</sup>
- سیدمحمد هاشم پورمولا<sup>۲</sup>
- مجتبی جاویدی<sup>۳</sup>

### چکیده

اسلام به عنوان یک نظام جامع، پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی انسان در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها است. امنیت، یکی از مهم‌ترین نیازهای طبیعی انسان محسوب می‌شود، که در متون دینی و احکام و مقررات اسلامی، راه‌حل‌های مناسبی برای تحقق آن در جامعه پیش‌بینی شده است. از آن جایی که امنیت افراد اجتماع، از امنیت فردی تک تک افراد ساخته می‌شود، حصول امنیت فردی شخص در اجتماع، زیرساختی برای شکل‌گیری امنیت اجتماعی است، لذا انسان با پایبندی به اصول اخلاقی در برخورد با دیگران می‌تواند به آرامش روانی و امنیت برسد. راهکارهای اسلام، برای تحقق امنیت توسط فرد عبارت است از: ایمان، به‌کارگیری عقل، کنترل زبان، مهار خشم و گذشت، عاقبت‌اندیشی، عدم تجسس در زندگی دیگران و از بین بردن فقر.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۹.

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسندهٔ مسئول) (m\_jalilizadeh@yahoo.com).

۲. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز (pourmola@shirazu.ac.ir).

۳. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز (mojtabajavidi@gmail.com).

علاوه بر نقش فرد در تحقق امنیت، هر یک از نهادهای اجتماعی (خانواده، خویشاوندی، همسایگی، برادری) نیز با ایفای وظایف خویش به بهترین نحو، می‌توانند نقش مهمی در تحقق امنیت اجتماعی داشته باشند. رسالت این مقاله، بررسی نقش فرد و نهادهای اجتماعی در تحقق امنیت اجتماعی است. روش مورد استفاده در این مقاله، روش توصیفی - تحلیلی است و از مطالعات کتابخانه‌ای در این خصوص کمک گرفته شده است.

**واژگان کلیدی:** امنیت، امنیت فردی، امنیت اجتماعی، نهاد فرد، نهادهای اجتماعی.

### مقدمه

انسان از یک سو، دارای استقلال فردی است و از سوی دیگر، به دلیل آنکه در اجتماع زندگی می‌کند، موجودی اجتماعی است. توجه به هر یک از این دو بُعد، در زندگی فردی و در برخورد با دیگران، می‌تواند نقش مهمی در سلامت روان انسان ایفا کند. در قرآن و سیره نظری و عملی ائمه معصومین علیهم‌السلام، به تأمین نیازهای گوناگون انسان (در بعد فردی و اجتماعی) تأکید فراوان شده است. رفع نیازهای فرد، می‌تواند نقش مهمی در آرامش روان و به تبع آن جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. امنیت، یکی از مهم‌ترین نیازهای طبیعی فرد محسوب می‌شود.

امنیت و ناامنی، امری نسبی است که بستگی به عملکرد نهادها و سازمان‌های اجتماعی دارد و رفتارهای فردی و اجتماعی، محصول شرایط اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که احساس ناامنی، درد، رنج، ترس، نگرانی اجتماعی نسبت به آینده‌ای مبهم و تاریک، معمولاً حالت روانی ناخوشایندی در انسان به وجود می‌آورد و در پیدایش این انگیزه، محیط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیستی تأثیر زیادی داشته و ارباب و تخاصم، میزان آن را به بالاترین حد خود می‌رساند (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۰)، لذا از بین رفتن امنیت در جامعه، زمینه‌ساز رفتارهای ناهنجاری است که به صورت رفتارهای هنجارشکن، قانون‌شکنانه، انحرافی و آسیب‌رسان بروز می‌کند (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۱).

در کلام فقهای شیعه، دیدگاه‌های گوناگونی در برقراری امنیت جامعه پیش‌بینی

شده است. فقها از واژه امنیت و احکام مربوط به آن در بحث‌های مختلف فقهی همانند قضا، شهادت، احکام جزائی و تجسس استفاده کرده‌اند. اما آنچه از نقش تأثیرگذار امنیت، در پیشگیری از جرائم و انحرافات مورد استفاده قرار گرفته، مربوط به احکام جزائی است؛ به گونه‌ای که راه تحقق امنیت فردی و جمعی را می‌توان در اجرای حدود و قصاص در مقابله با متجاوزین از جان و مال و مقررات الهی دانست، زیرا با اجرای احکام الهی، هم انسان‌ها به رشد مادی و معنوی خویش می‌رسند و هم ناپاکان و خلافکاران تنبیه می‌شوند (مجلسی، بی‌تا، ۶)، لذا اجرای احکام الهی در مقابل متجاوزین از این حدود، می‌تواند نقش اصلاحی در مجرمین و یا کسانی که قصد ارتکاب جرم دارند، داشته باشد. اجرای این مجازات‌ها، می‌تواند نقش مهمی در برقراری امنیت و حفظ تعادل در جامعه ایفا کند. علاوه بر نقش تأثیرگذار امنیت در متون فقهی، در قرآن و سیره نظری و عملی ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز، به جایگاه انسان در تأمین امنیت خود و اجتماع، توجه ویژه صورت گرفته است. این مقاله، درصدد بررسی راهکارهای برقراری امنیت توسط فرد و نهادهای اجتماعی (خانواده، خویشاوندی، همسایگی، برادری) و نقش آن‌ها در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی است.

این مقاله درصدد پاسخ به این سؤالات است: ۱. جایگاه فرد در تحقق امنیت اجتماعی به چه نحو است؟ ۲. راهکارهای تحقق امنیت توسط فرد از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم‌السلام کدامند؟ ۳. نقش نهادهای اجتماعی در تحقق امنیت فرد و جامعه چگونه است؟

## الف. مفهوم شناسی امنیت

### ۱. امنیت در لغت

امنیت در اصل، از مصدر عربی «امن» گرفته شده است. امن یعنی «اطمینان و آرامش خاطر» و ایمنی «آرامش قلب و خاطر جمع بودن» (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۲۳/۱)، واژه امن در معنای بی‌بیم شدن، بی‌ترس، اطمینان، آسایش، آرامش قلب و ضد خوف نیز به کار رفته است و امنیت نیز به معنای ایمنی، آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۷۹، ۲۲۳؛

واسطی، ۱۴۱۴، ۲۳/۱۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ۳/۳۳۷۷). همچنین، در معنای لغوی امنیت بیان شده است: امنیت یعنی حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تهدید (اعتماد به دریافت‌های شخص) (بوزان، ۱۳۷۸، ۵۲). به بیان دیگر، امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است (آشوری، ۱۳۸۷، ۳۸).

## ۲. امنیت در اصطلاح

در تعریف اصطلاحی امنیت نیز، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. نظریه‌پردازان امنیت معتقدند، امنیت به حفظ مجموع ویژگی‌هایی گفته می‌شود که بر مبنای آن، افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی می‌کنند. این عضویت سبب می‌شود که افراد خود را از هر گونه تهدید در امان بدانند، لذا نیاز است میان هویت جامعه و امنیت، ارتباط نزدیک برقرار شود. این گروه از نظریه‌پردازان، برای امنیت دو وجه در نظر گرفته‌اند: در وجه اول، بر میزان رضایتمندی و آرامش خاطر فرد به‌عنوان یک عضو نمونه جامعه تأکید کرده‌اند. در وجه دوم، نحوه تعامل افراد با یکدیگر را مد نظر قرار داده‌اند (گلایی و زارع‌زاده، ۱۳۹۳، ۲۶)، لذا معنای این واژه از بُعد ایجابی عبارت است از: «فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات لازم، به‌منظور گسترش نوعی روحیه آرامش و اطمینان‌بخش برای شهروندان»؛ و در بُعد سلبی عبارت است از: «فقدان هرگونه تهدید جانی، مالی و روحی از سوی محیط‌های داخلی و خارجی» (محسنی، ۱۳۸۸، ۴). آبراهام مازلو در تعریف امنیت بیان داشته است: امنیت شامل هرگونه نیازی است که موجب حفاظت شخص در زمان حال و آینده می‌شود؛ مانند نیاز به رهایی از وحشت، تأمین جانی و عدم محرومیت از نیازهای اساسی. نیاز به ایمنی، به‌عنوان محرک اصلی، تنها در موارد واقعاً اضطراری مانند جنگ، شیوع بیماری، فجایع طبیعی، رواج جنایات، از هم پاشیدگی نظام اجتماعی، روان‌نژدی، آسیب مغزی، از هم پاشیدگی مراجع قدرت و اوضاع به شدت نامساعد، قابل رؤیت است (Maslow A. H. 1967).

## ب. انواع امنیت

در یک تقسیم‌بندی، می‌توان امنیت را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. امنیت فردی ۲. امنیت اجتماعی.

### ۱. امنیت فردی

امنیت به عنوان حق اساسی، به وضعیت و حالتی گفته می‌شود که در آن انسان قادر به بهره‌مندی از مزایا و مواهب حیات است. در این راه، باید تمامیت وجودی او از هرگونه تعرض مصون باشد و برای بهره‌مندی شایسته از حقوق فردی، زمینه ارتقا آن فراهم شود (علیزاده و کاویانی، ۱۳۹۰، ش ۴، ۲۶۱). بر این اساس، امنیت فردی عبارت است از آرامشی که خود فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه برای خود فراهم می‌کند و سازنده آن، خود شخص است (صادقیان، ۱۳۸۲، ش ۱، ۶۲). همچنین حالتی است که در آن، فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند (آشوری، ۱۳۸۷، ۳۸).

### ۲. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول گفته می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۴). همچنین امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه‌های فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد (آشوری، ۱۳۸۷، ۳۸). امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری، می‌توان امنیت عمومی نیز تلقی کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را پوشش می‌دهد (نوبدینیا، ۱۳۸۲، ش ۱، ۶۲). بر این اساس، امنیت اجتماعی عبارت است از آرامشی که جامعه برای اعضای خویش فراهم می‌کند و جامعه مسئول به وجود آوردن آن است؛ به طوری که یکی از وظایف و اهداف جامعه، برقراری امنیت است (صادقیان، ۱۳۸۲، ش ۱، ۶۴).

امنیت فردی و اجتماعی را می‌توان زیر مجموعه‌ای از امنیت اخلاقی دانست؛ این نظریه به دلیل اهمیت مقوله اخلاق، در آموزه‌های اسلامی و در روابط میان فردی و

اجتماعی است. با اخلاق است که انسان به رشد و تکامل خود می‌رسد و روابط میان افراد مسالمت‌آمیز می‌شود، زیرا واکنش اخلاقی در برابر بی‌اخلاقی‌های اجتماعی، عامل تحقق امنیت و نظم اجتماعی مطلوب است.

### ج. نقش فرد در تحقق امنیت

سلامت روان یکی از ابعاد گوناگون زندگی انسان است که به تداوم زندگی وی کمک می‌کند. سلامت روان، حالت کامل آسایش و کامیابی زیستی - روانی و اجتماعی است. سلامت روانی در مفهوم عام خود نیز به سلامت فکر، تعادل روانی و دارا بودن ویژگی‌های مثبت روانی گفته می‌شود که می‌تواند نقش مؤثری در سلامت فکر و روح انسان و شکل‌گیری شخصیت وی ایفا کند (انصاری و میرشاه جعفری، ۱۳۸۹، ش ۶، ۱۲۹). امام علی علیه السلام بر این باورند که سلامت روحی انسان را از بلاها حفظ می‌کند (سید رضی، ۱۴۱۴، ۴۸۶). ایشان یکی از پیامدهای بیماری‌های روحی و روانی را از بین رفتن امنیت فرد و جامعه می‌دانند (سید رضی، ۱۴۱۴، ۲۵۵). لذا یکی از عوامل آرامش روانی و برقراری امنیت در جامعه، نقشی است که فرد در این حوزه ایفا می‌کند.

فرد در طول زندگی، در راه رسیدن به خواسته‌هایش دچار موانع و مشکلاتی می‌شود که نگرش‌های ویژه‌ای نسبت به اشیا، عوامل، وسایل و اشخاصی که نیازهای او را بر می‌آورند و وی را به هدف‌هایش می‌رسانند، در او به وجود می‌آید. نگرش‌های مثبت و نگرش‌های منفی، نسبت به موانعی که سد راه رسیدن او به هدف‌هایش است (کریمی، ۱۳۹۰، ۲۳۴)، لذا نیاز به آرامش و امنیت درونی (امنیت درونی، به آن شکل از امنیت گفته می‌شود که در درون انسان استقرار یافته و عامل اصلی به وجود آورنده آن خود انسان است) (صادقیان، ۱۳۸۲، ۶۱) دارد. در حقیقت، انسان با شناخت ویژگی‌های خود و با شناخت صحیح از نقاط ضعف و قدرت خویش و دنیای پیرامونی خود، می‌تواند با سختی‌های زندگی بهتر کنار آید (انصاری، ۱۳۸۹، ۱۳۶). همچنین، شناخت وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی از وظایف مهم انسان محسوب می‌شود. کسانی که در جامعه زندگی می‌کنند، باید به حقوق دیگر افراد جامعه کاملاً آگاهی داشته باشند، زیرا بسیاری از گرفتاری‌ها و مشکلات اجتماعی، به دلیل آگاه نبودن به حقوق جامعه

است. با توجه به اهمیت تعالیم اجتماعی، پیشوایان دین، وظیفهٔ تعلیم و تبلیغ وظایف اجتماعی را بر خود لازم می‌دانستند و آن را سرلوحهٔ کارهای خود قرار می‌دادند (تقوی دامغانی، ۱۳۸۷، ۴۳)، لذا هنگامی که شخص متصف به فضایل اخلاقی شود، در زندگی اش احساس امنیت بیش‌تری می‌کند. در غیر این صورت، زمینهٔ ورود وی به وادی جرائم و انحرافات فراهم می‌شود. در اسلام، یک‌سری راهکارها برای تحقق امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده، که انجام این اعمال توسط فرد می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرائم و انحرافات داشته باشد. این راهکارها عبارت است از: ایمان، به‌کارگیری عقل، کنترل زبان، مهار خشم و گذشت، عاقبت‌اندیشی، عدم تجسس در زندگی دیگران و از بین بردن فقر.

### ۱. ایمان

دین به ایمن‌سازی زندگی انسان کمک‌های فراوان کرده است و با تقویت مفهوم «توکل به خدا» از احساس ناتوانی انسان تا حد زیادی کاسته است. وقتی انسان خداوند را پاسخگوی همهٔ نیازهای خود بداند، احساس امنیت بیشتری خواهد کرد، زیرا خداوند منبع ایمن و امنیت‌بخش برای بندگانش است (شجاعی، ۱۳۸۶، ش ۱، ۱۰۲). زمانی که نیازهای معنوی فرد رفع نشود، خواسته‌هایش در سراسر وجود وی باعث اضطراب و تنش شده و تنها زمانی می‌تواند احساس آرامش کند که به اصل و مبدأ خویش، یعنی خدا باز گردد (شجاعی، ۱۳۸۶، ش ۱، ۱۱۲). یکی از عوامل مهم تحقق امنیت، نقشی است که فرد می‌تواند در این حوزه ایفا کند. چنان‌که خداوند در آیهٔ ۱۰۵ سورهٔ مائده، ایمان را عامل هدایت انسان و دوری وی از گمراهی دانسته است.

هر چه ایمان فرد قوی‌تر شود، بیشتر در امنیت خواهد بود، زیرا افرادی که در راه دین حرکت می‌کنند و به خدای متعال ایمان دارند، در برابر افراد گمراه که هدفشان منحرف کردن دیگران است، مقاومت کرده و تسلیم خواست و ارادهٔ آن‌ها نمی‌شوند. برعکس، اگر ایمان فرد ضعیف باشد، به راحتی توسط افراد گمراه به انحراف کشیده شده و مرتکب جرائم و انحرافات می‌گردد، لذا امنیت فردی را باید در ایمان واقعی و آرامش روحی و اطمینان و طمأنینهٔ نفس و یاد خداوند متعال جستجو کرد. از برخی از

آیات قرآن کریم نیز، چنین امری استنباط می‌شود (ر.ک: رعد، ۲۸). در روایتی، پیامبر ﷺ امنیت را به عنوان نعمت ناشناخته معرفی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۷۸/۱۷۰) و در فرهنگ علوی نیز، بر نعمت امنیت تأکید شده است (سیدرضی، ۱۴۱۴، ۱۶۶)، لذا خوش‌گمان بودن به خداوند (کلینی، ۱۴۰۷، ۸۴/۳) و او را حلال مشکلات خود دانستن، سبب می‌شود که فرد برای رسیدن به خواسته‌هایش دست به اعمال مجرمانه (که باعث از بین رفتن امنیت فرد و اجتماع می‌شود) نزند. بنابراین، انسان هنگامی دارای امنیت درونی است که از نظر فکری و ایمانی به مرحله‌ای برسد که با اتکا به ایمان استوار خود نسبت به خالق هستی، هیچ چیز یا هیچ پدیده‌ای نتواند آرامش درونی او را به هم بریزد (صادقیان، ۱۳۸۲، ش ۱، ۶۱). با اشاعهٔ ایمان در تک تک افراد جامعه، امنیت اجتماعی حاصل شده و ارتکاب جرائم و انحرافات تا سطح زیادی کاهش می‌یابد.

## ۲. به کارگیری عقل

خداوند برای رسیدن انسان به حالت تعادل و انتخاب بهترین راه در کنار اراده، به نقش عقل نیز در انتخاب راه درست تأکید کرده است؛ زیرا عقل، انسان را به شناخت حق و اهداف تکاملی در مسیر انسانی هدایت می‌کند و او را به کارهای شایسته و روشی که او را به خدا برساند، رهنمون می‌کند (حکیم، ۱۳۸۷، ۱۳۴). این نشان دهندهٔ آن است که خداوند قبل از ارسال پیامبران و نشان دادن راه سعادت به انسان، به نقش عقل در انتخاب راه درست تأکید کرده است. این نشان از اهمیت و جایگاه والای عقل در ایجاد امنیت برای فرد و جامعه است. خداوند در آیات متعددی راه سعادت و نیک‌بختی را به انسان‌ها نشان داده و وی را در راه رسیدن به اهدافش راهنمایی می‌کند. اگر شخص بر طبق آموزه‌های خداوند عمل کند، دچار انحراف نمی‌شود (ر.ک: عنکبوت، ۶۹). خداوند در کنار راه سعادت و خوشبختی، راه شقاوت را نیز در پیش روی انسان نهاده و وی را در انتخاب مسیر خود مخیر کرده است (انسان، ۳)؛ لذا انسان می‌تواند با اختیار خود و با کمک از عقلش، مسیر درست را انتخاب کند.

در این خصوص، آیهٔ ۴۳ سورهٔ عنکبوت نیز وارد شده است: «و این مثلها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشوران آنها را درنیابند» (عنکبوت، ۴۳). این آیه، اشاره به مثل‌هایی



دارد که در قرآن برای هدایت انسان‌ها زده شده است و تنها اهل دانش به حقیقت معانی پی‌می‌برند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۹۶/۱۶). خداوند در آیات متعدد، اصول بنیادین زندگی درست را به انسان‌ها آموزش داده است. این آموزه‌ها، تنها برای کسانی قابل فهم است که بهتر به عمق این مطالب پی‌برده و در استفاده از عقل خود، نهایت اهتمام را ورزیده‌اند. هنگامی که شخص بتواند در روابط فردی و اجتماعی خود به این اصول پایبند باشد، می‌تواند در تحقق امنیت و به تبع آن جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، نقش تأثیرگذاری ایفا کند، زیرا به کارگیری عقل، یکی از عوامل بازدارنده انسان از هوی و هوس و برانگیزاننده او به سوی چیزهایی است که با قوه عاقله انسان ادراک می‌شود. در آیه ۴۴ سوره بقره نیز در این خصوص بیان شده است: «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود فراموش کرده‌اید». این‌ها کسانی هستند که با وجود دانستن راه درست، در مسیر ناشایست حرکت می‌کنند.

علاوه بر آیات ذکر شده، روایاتی نیز در خصوص اهمیت به کارگیری عقل در هنگام روبه‌رو شدن با مصائب و مشکلات در سیره معصومین علیهم‌السلام ذکر شده است. از جمله نشانه‌های شخص عاقل آن است، هنگامی که در زندگی اش دچار مصائب و مشکلاتی می‌شود و یا با یکسری نیازهای رفع نشده روبه‌رو می‌شود که امکان رفع آن‌ها از راه‌های معمول برای وی فراهم نیست، با برنامه‌ریزی درست بتواند با امکانات کم، زندگی اش را بگذراند (لیثی واسطی، بی‌تا، ۱/۱۱۴). چنین شخصی برای رسیدن به خواسته‌هایش، تن به اعمال خفت‌بار و پست که ممکن است باعث از بین رفتن امنیت وی شود، نمی‌دهد، لذا دوراندیشی و توجه به عاقبت کار، از نشانه‌های شخص عاقل شمرده شده است (الحلوانی، ۱۴۰۸، ۸۴/۱)، زیرا کسب این خصلت پسندیده باعث می‌شود شخص برای رفع نیازهایش دست به اعمال مجرمانه نزند و هنگامی که از سوی دیگران ضرری به وی وارد شود، به جای انتقام‌جویی، از خطاهای آن‌ها گذشت می‌نماید، زیرا مقابله با دیگران باعث بالاگرفتن اختلافات شده و زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات را فراهم می‌آورد، لذا ابراز دوستی در هنگام اختلافات، زمینه برقراری امنیت در جامعه را فراهم می‌آورد.

### ۳. کنترل زبان

از نظر اسلام، زبان یکی از ابزارهایی است که انسان باید بسیار مراقب آن باشد، زیرا بسیاری از گناهان ریشه در زبان دارد. بسیاری از گناهان کبیره چون غیبت و دروغ به زبان بازمی‌گردد، لذا یکی از عوامل سقوط و هلاکت انسان عدم کنترل زبان است. هنگامی که فرد زبان خود را حفظ کند، می‌تواند از جرائمی که ممکن است بر اثر عدم کنترل این عضو صورت گیرد، جلوگیری نماید. کنترل زبان، می‌تواند نقش مهمی در تحقق امنیت داشته باشد.

عدم کنترل زبان به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. تحقیر و تمسخر کردن دیگران ۲. شوخی بی‌مورد با دیگران ۳. سخن چینی و غیبت.

۱. تحقیر و تمسخر کردن دیگران: خداوند در آیه ۱۱ سوره حجرات در خصوص کنترل زبان بیان داشته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد، آنان خود ستمکارند».

کلمه «سخریه» به معنای استهزاء است. استهزاء یعنی شخص چیزی بگوید که باعث تحقیر دیگری شود. تحقیر می‌تواند به صورت زبانی صورت گیرد یا با اشاره به شخص انجام شود و یا عملاً از وی تقلید کند، به گونه‌ای که دیگران از آن سخن و یا تقلید و اشاره بخندند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۴۸۱/۱۸). در این زمینه، آیه ۷۱ سوره احزاب نیز وارد شده است. علامه طباطبائی در ذیل توضیح این آیه بیان داشته است: مراد از قول سدید، اصلاح اعمال و مغفرت گناهان است. هنگامی که نفس انسان به قول سدید عادت کرد، نه تنها مرتکب دروغ، سخن لغو و فساد و فحشا نمی‌شود، بلکه از گناهان خود نیز پشیمان می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۲۳/۱۶). امام سجاد علیه السلام نیز انسان‌ها را از تمسخر کردن یکدیگر نهی کرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۸۱/۱۶، ح ۲۱۵۵۶). عدم تمسخر دیگران می‌تواند نقش مهمی در تحقق امنیت داشته باشد.

۲. شوخی بی مورد با دیگران: شوخی زیاد و بی مورد، موجب سبک شدن شخصیت فرد و پایمال شدن شخصیت دیگران می شود. این خصیصه باعث ایجاد دلخوری و درگیری میان افراد شده و با بالا گرفتن اختلافات، امنیت فرد و جامعه از بین رفته و زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات در جامعه فراهم می شود. امام علی علیه السلام شوخی زیاد را عامل تضعیف شخصیت انسان و ایجاد دشمنی میان افراد دانسته است (لیثی، واسطی، بی تا، ۳۹۰، ح ۶۶۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه کسی را دوست داشتی، با او نه شوخی کن نه مجادله» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۶۴/۲، ح ۹). شوخی نابجا یکی از عوامل مهم از بین رفتن امنیت فرد و جامعه محسوب می شود، به همین دلیل است که اسلام به حفظ و کنترل زبان تأکید فراوانی کرده است.

۳. سخن چینی: از جمله گناهان کبیره ای که زبان، ابزار ارتکابی آن است، سخن چینی است. کسی که سخن چینی می کند مرتکب چند گناه کبیره می شود، هم در امانت خیانت می کند، هم غیبت می کند، هم اسرار مگوی اشخاص را فاش می نماید و چه بسا آبروی شخص یا اشخاصی را می ریزد و هم کینه و دشمنی را میان افراد ایجاد می کند یا افزایش می دهد. خداوند در آیه ۱ سوره هُمَزَه در نکوهش سخن چینی بیان داشته است: «وای بر هر بدگوی عیجویی» کلمه "هُمَزَه" به معنای شکستن است (طبرسی، ۱۳۷۵، ۷۰۲/۶). همچنین این واژه به معنای کسی است که بدون جهت، بسیار به دیگران طعنه می زند و عیب جوئی و خرده گیری هایی می کند که در واقع عیب نیست (طبرسی، بی تا، ۲۶۹/۲۷). همچنین قرآن مجید به کسانی که با نَمّامی و سخن چینی، آتش کینه و عداوت را میان مردم برمی افروزند هشدار می دهد و آنان را به عذاب دوزخ تهدید می کند، چنان که درباره یکی از همسران ابی لهب به نام امّ جمیل می فرماید: «زن او (ابی لهب) آن هیزم کش آتش افروز نیز، اهل جهنم است» (مسد، ۴).

امام صادق علیه السلام یکی از عوامل از بین رفتن امنیت فرد و جامعه را سخن چینی و جدایی انداختن میان دوستان می دانند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۳۴۰/۲) و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سخن چینی را قبیح ترین سخن راست معرفی کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۲/۲). یکی از مصادیق سخن چینی، غیبت کردن است. غیبت، موجب فروریختگی منزلت اجتماعی افراد

جامعه می‌شود، زیرا با غیبت، شخصیت فرد شکسته شده و نمی‌تواند در جامعه حضوری فعال و همراه با کرامت و عزت داشته باشد. همیشه فکر می‌کند در نزد دیگران تحقیر شده و توانایی انجام امور خود را ندارد. غیبت در واقع، همان اشاعه فحشا و منکرات است که این امر موجب نوعی واگیر اجتماعی می‌شود. یکی از اصول بنیادین روابط اجتماعی از منظر دین، پخش نشدن عیوب مردم و زشتی کردار آنها است. اگر کسی رفتار نابهنجاری مرتکب شود، این امر باید مخفی بماند تا به دیگران سرایت نکند. بر همین اساس در معارف دینی، پرده‌پوشی، نادیده گرفتن گناه افراد و عدم نقل آن بسیار سفارش شده است (حاجی حسینی، بی‌تا، ش ۲۰، ۷) و رازداری و پوشاندن اسرار دیگران مورد تأکید اسلام قرار گرفته است. امام علی علیه السلام فرمودند: «به کسی که تو را امین قرار داده است، خیانت مکن، هر چند او به تو خیانت کرده باشد و راز او را فاش مساز، اگرچه او راز تو را فاش ساخته باشد» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳۶/۹، ح ۱۰۴۷۶). اهمیت این موضوع از دیدگاه اسلام به حدی است که امام علی علیه السلام، فاش کردن اسرار دیگران را از ویژگی‌های افراد بدکار دانسته است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۵۵۹/۱).

از اثرات عدم کنترل زبان، استهزا، توهین و یکدیگر را با القاب زشت خطاب کردن است. افراد باید با زبان نیکو با یکدیگر سخن بگویند و از سخنان باطل و بیهوده که ممکن است اثرات منفی بر روی مخاطب بگذارد و وی را به مقابله به مثل وادارد، خودداری نمایند. در واقع، کنترل زبان به معنای حفظ زبان از هرگونه انحراف و خطاگویی است که می‌تواند نقش بسیار مهمی در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد، زیرا یکی از عوامل اصلی از بین رفتن امنیت فرد و وقوع جرائمی مانند توهین، استهزاء، قذف، شهادت دروغ و... عدم کنترل زبان است، حتی این خصلت ناپسند می‌تواند عامل به‌وجود آورنده جرائم سنگین‌تر مانند قتل شود، زیرا زمانی که دو نفر با لحن بد و توهین کردن با یکدیگر صحبت می‌کنند، اختلافات میانشان بالا گرفته و نمی‌توانند هیچ کنترلی بر دیگر اعمال خود داشته باشند.

#### ۴. مهار خشم و گذشت

یکی دیگر از راهکارهای برقراری امنیت، کنترل و مهار خشم است. ممکن است

شخص در اثر مشکلاتی که برایش به وجود آمده، دچار اختلالات روحی و روانی شده و تمام وجودش را خشم فرا گیرد. در این زمان، با کنترل و مهار خشم خود می‌تواند جلوی بسیاری از جرائم و انحرافات مانند: توهین، دعوا و نزاع و... که موجب از بین رفتن امنیت فرد و جامعه می‌شود را بگیرد. خداوند در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، کنترل خشم را از ویژگی‌های افراد با ایمان ذکر کرده است. مراد از ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ﴾ کسانی هستند که هنگام عصبانیت، خشم خود را فرو می‌برند و در برابر آزار و اذیت دیگران، صبر پیشه می‌کنند و به دنبال انتقام‌جویی نیستند. بلکه ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ کسانی هستند که از گناه مردم نسبت به خود می‌گذرند (طبرسی، بی‌تا، ۲۵۴/۴). پیامبر ﷺ نیز در این خصوص بیان داشته‌اند: «کمال دلیری آن است که کسی خشمگین شود و خشمش شدت گیرد و چهره‌اش سرخ شود و موهایش بلرزد، اما بر خشم خود چیره گردد (پابنده، بی‌تا، ۵۴۹، ۱۸۷۲).

فرو بردن خشم، یکی از عوامل مهم جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی است، زیرا هنگامی که شخص عصبانی می‌شود، نمی‌تواند هیچ کنترلی بر رفتار و اعمال خود داشته باشد؛ در این زمان ممکن است مرتکب جرائم متعددی شود که گاهاً جبران آن‌ها امکان‌پذیر نیست. همچنین، هنگامی که از سوی دیگران به فرد ظلمی می‌رسد، باید به جای انتقام‌جویی و کینه، از گناه و اشتباهات آن‌ها بگذرد، لذا بخشش و گذشت از گناه، سبب افزایش دوستی در تعامل افراد جامعه با یکدیگر و دوری از تنش و درگیری در جامعه می‌شود. هنگامی که میان دو نفر اختلاف و خصومت به وجود آید، اگر یک طرف دعوا از اشتباهات طرف مقابل بگذرد، جلوی بسیاری از جرائم و انحرافات گرفته می‌شود؛ زیرا ریشه بسیاری از جرائم و انحرافات به دلیل نبخشیدن و اصرار بر انتقام است. در آیه ۲۳۷ سوره بقره آمده است: «گذشت کردن شما به تقوا نزدیک‌تر است». اگر افراد هنگامی که از سوی دیگران مورد خیانت و یا ظلم قرار می‌گیرند، به‌جای انتقام‌جویی، از خطاهای آن‌ها گذشت نمایند، کدورت‌ها میان آن‌ها از بین رفته و امنیت در جامعه برقرار می‌شود؛ لذا کسب خصلت پسندیده خوش‌خلق، یکی از عوامل تحقق امنیت در جامعه است. حسن خلق علاوه بر تأثیر مثبتی که بر روی فرد دارد، دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای در دیگران نیز هست. هنگامی که شخص در روابط با

دیگران به جای برخورد ملاطفت آمیز با تندی برخورد کند، علاوه بر خود فرد، اعصاب دیگران نیز به هم می‌ریزد. هنگامی که فرد نتواند هیچ کنترلی بر رفتار خود داشته باشد، به راحتی مرتکب جرائم و انحرافات می‌شود.

### ۵. عاقبت اندیشی

عاقبت اندیشی و توجه کردن به نتیجه عمل، یکی دیگر از عوامل برقراری امنیت محسوب می‌شود. در سوره شمس، که از نظر اخلاقی یکی از بهترین سوره‌های قرآن است، خداوند متعال پس از آن که قضیه قوم ثمود و سرنوشت شوم آنان را بیان می‌کند، @@@ در آخر کار می‌فرماید: ﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ یعنی همه بدبختی‌هایی که این قوم بدان دچار گشتند به خاطر آن بود که عاقبت اندیش نبودند و از سرانجام عمل خویش بیمناک نگشتند.

در روایتی نقل شده است: «شخصی خدمت رسول اکرم ﷺ آمد و فرمود: یا رسول الله ﷺ! به من نصیحتی بفرمایید. نوشته‌اند که ایشان سه بار این جمله را تکرار کردند، فرمودند: آیا اگر من بگویم، تو انجام می‌دهی؟ گفت: بله. بعد فرمودند: «هرگاه می‌خواهی کاری را انجام دهی، اول درباره عاقبت آن کار بیندیش، بعد تصمیم بگیر» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۵۰/۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۸۱/۱۵). همچنین در روایت دیگری نیز از ایشان نقل شده است: «هرکس در عاقبت امور نظر کند، از مصیبت‌ها سالم می‌ماند» (احسائی، ۱۴۰۵، ۲۹۶/۱؛ نوری، ۱۴۰۸، ۳۰۷/۱۱). تدبّر کردن در انجام کار و تصمیم‌گیری از روی منطق و توجه کردن به عاقبت کاری که شخص می‌خواهد انجام دهد، نقش پیشگیرانه از وقوع جرائم و انحرافات دارد. اگر شخص بدانند سخن یا عمل وی تأثیر منفی در مخاطب می‌گذارد، باید رفتار و اعمال خود را اصلاح نماید، زیرا علت اصلی از بین رفتن امنیت و وقوع جرائم و انحرافات، توجه نکردن فرد به عاقبت کار است. هنگامی که والدین به جای برخورد مناسب با فرزندان، به دنبال خشونت در مقابل اشتباهات آن‌ها باشند، سبب کشیده شدن فرزندان به راه‌های خلاف می‌شوند. از نمونه‌های روشن عاقبت اندیشی، این است که انسان وقتی می‌خواهد چیزی بگوید، اول فکر کند، عاقبت آن را بسنجد، هدف و نتیجه و تبعات آن را در نظر بگیرد، اگر خوب

است، بگوید و انجام دهد و الا از گفتن و انجامش دست بردارد تا به راه سعادت رهنمون گردد.

### ۶. عدم تجسس در زندگی دیگران

واژه عربی تجسس، در اصل به معنای «با دست لمس کردن» و مجازاً به معنای «نگاه کردن از سر کنجکاوی برای شناسایی دیگران» است (ابن منظور، ۱۴۱۲، ۳۸/۶) و مراد از ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ «پی گیری و تفحص از امور مردم است، اموری که مردم درصدد پنهان ماندن آنها هستند و تو آنها را پی گیری می کنی» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۴۸۵/۱۸). تجسس و فضولی در زندگی دیگران، از خصلت های ناپسندی است که در تعالیم اسلامی از آن نهی شده است. علت نهی اسلام به دلیل اثرات نامطلوبی است که ممکن است شخص در زندگی فردی و اجتماعی با آنها روبه رو شود، زیرا آگاه شدن از اسرار زندگی دیگران و برملا کردن آن، باعث بروز خصومت و دشمنی میان افراد شده و این اختلافات، زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات را فراهم می آورد. آیه ۱۲ سوره حجرات، مؤمنان را از تجسس در زندگی دیگران نهی کرده است. همچنین بر اساس آیه ۱۸۹ سوره بقره و ۲۷ سوره نور، ورود مخفیانه و بدون اجازه به حریم خانه دیگری ممنوع است و بر پایه آراء فقهی، هرکس می تواند با متجاوز به این حریم مقابله کند؛ لذا تجسس در زندگی دیگران و آشکار کردن عیوب مردم، باعث دور شدن دلها از یکدیگر و کمرنگ شدن روابط عاطفی میان انسانها و به تبع آن، ایجاد ناسازگاری های اجتماعی و به خطر افتادن امنیت فرد و جامعه می شود. پیامبر ﷺ فرمودند: «عیب های مؤمنان را جستجو نکنید، زیرا هر که دنبال عیب های مؤمنان بگردد، خداوند عیب های او را دنبال کند و هر که خداوند تعالی عیوبش را جستجو کند، او را رسوا سازد گرچه درون خانه اش باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۴/۷۲)، لذا تجسس در زندگی دیگران از دیدگاه کتاب [قرآن]، سنت، اجماع و عقل حرام دانسته شده است (مغنیه، ۱۳۷۸، ۲۰۲/۷).

### ۷. از بین بردن فقر

نیاز مالی، یکی از مهم ترین نیازهایی است که در فرد وجود دارد و زندگی بدون تأمین آن با مخاطره روبه رو می شود. برای تأمین این نیاز، ابتدائاً خود فرد باید با کار و

تلاش درصدد رفع نیاز خود از طریق مشروع باشد. اگر فرد با وجود تمام تلاش، باز هم قادر به رفع نیازش نباشد، ممکن است به سراغ راه‌های نامشروع رفته و مرتکب جرائمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... شود؛ لذا فقر از عوامل اصلی از بین رفتن امنیت محسوب می‌شود.

خداوند در آیه ۱۰ سوره جمعه در اهمیت کار و تلاش بیان داشته‌اند: «و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید». منظور از «قضاء صلاة» اقامه نماز جمعه و تمام شدن آن است. و مراد از «انتشار در ارض» متفرق شدن مردم در زمین و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا - یعنی رزق و روزی - است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۹/۴۶۱).

در بیانات معصومین علیهم‌السلام در اهمیت کار و تلاش برای تأمین نیازهای ضروری خود، احادیث متعددی وارد شده است: حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عبادت را ده جز دانسته‌اند که نه جز آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳/۱۲). امام حسن مجتبی علیه‌السلام نیز فرمودند: ای بندگان خدا! برای رسیدن به خواسته‌ها تلاش کنید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۶). اگر فرد با کار و تلاش بتواند درصدد رفع نیازهایش برآید، هرگز به دنبال راه‌های نامشروع برای رسیدن به خواسته‌هایش نمی‌رود و جلوی بسیاری از جرائم و انحرافات گرفته می‌شود. امام باقر علیه‌السلام در دعایی، رفاه و توانایی را از خدا می‌خواهد تا بتواند خدا را عبادت کند و به سعادت برسد (مفید بغدادی، ۱۴۱۳، ۱۷۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۵۸۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۵، ۱/۱۰۸)؛ لذا رفاه و آسایش، عامل اطاعت و بندگی خداوند و عامل تحقق امنیت در جامعه است. تا زمانی که انسان از نظر مالی در رفاه باشد و توان رفع نیازمندی‌هایش را داشته باشد، حتی فکر مجرمانه به ذهنش خطور نمی‌کند؛ لذا جلوی بسیاری از جرائم و انحرافات که ممکن است به دلیل فقر و تنگدستی به وقوع پیوندد، گرفته می‌شود.

#### د. نقش نهادهای اجتماعی در تحقق امنیت

علاوه بر نقش تأثیرگذار فرد در تحقق امنیت، در اسلام یکسری نهادهای اجتماعی



تعبیه شده است که می‌توانند با انجام درست وظایف خود، امنیت را در اجتماع برقرار کنند. این نهادها عبارتند از: خانواده، خویشاوندی، همسایگی، برادری.

### ۱. نهاد خانواده

یکی از ارکان مهم برقراری امنیت در جامعه، نقشی است که خانواده می‌تواند در این حوزه ایفا کند، زیرا رفتار و حالات والدین، یکی از بزرگ‌ترین منابع آموزشی در مقولات امنیتی محسوب می‌شود (رحیمی خورشیدوند، ۱۳۸۸، ش ۲۶، ۲۵). در آیه ۵۸ سوره اعراف، به نقش تأثیرگذار خانواده در اصلاح اعضای خود و به تبع آن تحقق امنیت اجتماعی توجه ویژه صورت گرفته است: «از زمین پاک و طیب، ثمره‌ای نیک به اذن پروردگار خارج می‌شود و از زمین آلوده و شوره‌زار، حاصلی ناقص و بی‌فایده خارج خواهد شد». بنابراین خانواده آرمانی قرآن، خانواده‌ای است که آماده پذیرش و پرورش انسان است. تربیت درست فرزندان از طریق روابط عاطفی و احترام‌آمیز، میان زوجین و در ارتباط با فرزندان محقق می‌شود.

در این خصوص از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «خداوند می‌فرماید: «خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخ حفظ کنید»، گفتند: چگونه خانواده‌مان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمودند: [به آنچه خدا دوست دارد] امرشان کنید و [از آنچه خدا نمی‌پسندد] نهی‌شان نمائید» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۲/۵). راهنمایی‌های پدر و مادر به فرزندان و نشان دادن مسیر درست، می‌تواند نقش مهمی در تحقق امنیت اجتماعی ایفا کند. همچنین مازلو در خصوص اهمیت روابط زوجین با یکدیگر و رفتارشان با فرزندان و به‌طور کلی نقشی که نهاد خانواده می‌تواند در تحقق امنیت در کودک داشته باشد، گفته است: «نیاز کودک به ایمنی، شامل آن نوع فعالیت‌های عادی و یا یکنواختی می‌شود که آرامش او را بر هم نزند. ناسازگاری در والدین باعث می‌شود کودک احساس نگرانی و ناامنی کند. نقش محوری والدین و اوضاع بهنجار خانوادگی، امری مسلم و غیرقابل بحث است. مشاجره، نزاع، جدایی، طلاق یا مرگ یکی از اعضای خانواده می‌تواند به‌گونه‌ای خاص وحشت‌آور باشد. همچنین پیامدهای تهدید والدین مبنی بر تنبیه بدنی فرزندان، گاهی بیش از دردهای جسمانی است. در عین حال که در

برخی کودکان، این وحشت می‌تواند در واقع نشانگر ترس از فقدان محبت والدین باشد، چنین وحشتی می‌تواند برای کودکانی اتفاق افتد که کاملاً مطرود هستند و به نظر می‌رسد که وابستگی عاطفی آن‌ها به والدین کینه‌توزشان، بیشتر به خاطر ایمنی و حمایت صرف باشد تا به خاطر امید به محبت (Maslow, A. H, 1670, 19). لذا روابط عاطفی میان اعضای خانواده و تعامل آن‌ها با یکدیگر، باید براساس اصل احترام و عدم اختلاف و ناسازگاری در میان زن و شوهر باشد، زیرا عدم این روابط سبب از بین رفتن تعادل روحی هر یک از زوجین و به تبع آن در فرزندان می‌شود. همچنین، تربیت درست فرزندان توسط والدین و دادن آموزش‌های دینی، اجتماعی و اخلاقی به آنان، پشتوانه قوی‌ای در تأمین امنیت و آسایش فرزندان است. هنگامی که فرزندان از این وجوه تأمین شوند، خانواده را کانون امنی برای خود می‌دانند. این امر ممکن است سبب جلوگیری از جرائم و انحرافات شود که ممکن است توسط جوانان و نوجوانان به وقوع بپیوندد. اما اگر والدین در رفتارشان با فرزندان از خشونت و بدرفتاری استفاده کنند، سبب فرار از خانه و گرفتار شدن در باندهای بزهکاری و فساد خواهند شد، لذا خانواده بایستی در همه زمینه‌ها امنیت را برای فرد فراهم آورد (رحیمی خورشیدوند، ۱۳۸۸، ش ۲۶، ۳۵).

## ۲. نهاد خویشاوندی

امنیت از طریق روابط خویشاوندی نیز حاصل می‌شود، زیرا کسانی که دارای عرق و حمیت خویشاوندی هستند، خود را در مقابل تعرض دشمنان و کینه‌توزان، دارای پشتیبان می‌بینند. هنگامی که فرد در تصمیم‌گیری‌ها و رفع مشکلاتش از خویشاوندان خود کمک می‌خواهد، از سوءاستفاده افراد سودجو که تنها به دنبال منفعت شخصی خود هستند، در امان است. خداوند در آیه ۹۱ سوره هود در خصوص تأمین امنیت توسط خویشاوندان بیان داشته است: «گفتند: ای شعیب! بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعاً تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعاً سنگسارت می‌کردیم، و تو بر ما پیروز نیستی!» در این آیه، عدم مجازات حضرت شعیب رضی الله عنه، به دلیل وجود پشتوانه خویشاوندی وی بوده است. به دلیل احترامی که برای

بستگان حضرت شعیب علیه السلام قائل بودند، وی را سنگسار نکردند و از گناهش گذشتند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۶۰/۱۰).

امام علی علیه السلام در خطبه تعاون با خویشاوندان فرمودند: «ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند و در هنگام مصیبت‌ها، نسبت به او پرعاطفه‌ترین مردم می‌باشند. نام نیکی که خداوند از شخصی در میان مردم رواج دهد، بهتر از میراثی است که دیگری بردارد» (خطبه ۲۳). استحکام روابط خویشاوندی سبب می‌شود که فرد خود را دارای حامی و پشتوانه بداند و هنگامی که دچار مشکل می‌شود، به آن‌ها اعتماد کرده و از آن‌ها کمک بخواهد. در این صورت، شخص احساس آرامش و امنیت می‌کند. یکی دیگر از آثار صله رحم و ارتباطات خویشاوندی، علاوه بر کمک و حمایت‌های مالی و معنوی خویشاوندان که باعث احساس امنیت در فرد می‌شود، حفظ اموال فرد است (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۴۸/۲). با استحکام این روابط، خویشاوندان هنگام مواجهه با مشکلات، با مشورت و أخذ نظر اقوام، بهترین راه را برای حل مشکل خود انتخاب می‌نمایند. ممکن است یکی از این مشکلات، تصمیم‌گیری در خصوص طریقه مصرف مال معینی باشد که با مشورت درست و به موقع، بهترین راه برای حفظ آن اموال در نظر گرفته می‌شود؛ اما اگر روابط میان خویشاوندان قطع شود، فرد به جای مشورت با خویشان مورد اعتماد، مجبور می‌شود به افراد بیگانه رجوع نماید. در این صورت، با سوءاستفاده افراد منفعت‌پرست روبه‌رو می‌شود و آن‌ها در این اموال، طمع و اموال این افراد بدون حامی را غصب می‌کنند. هنگامی که فرد، تمام اموال خود را از دست بدهد، برای جبران زیان وارده، دست به هرگونه اعمال مجرمانه می‌زند؛ لذا صله رحم و حمایت‌های خویشاوندان سبب می‌شود که شخص احساس امنیت کند.

### ۳. نهاد همسایگی

یکی دیگر از نهادهای اجتماعی که می‌تواند نقش تأثیرگذاری در برقراری امنیت داشته باشد، نهاد همسایگی است. نظریات حوزه همسایگی، معتقد به تأثیر وابستگی،

عمق روابط و محل سکونت بر امنیت افراد است، زیرا محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر نگرش و نحوه روابط افراد می‌گذارد. یعنی هر چه عمق روابط بین ساکنین قوی باشد، به همان میزان یکپارچگی بین آن‌ها بیشتر خواهد بود، ولی این امر را که هر چه روابط قوی باشد، امنیت هم به همان میزان بیشتر خواهد بود را تأیید نمی‌کند (گلایی، ۱۳۹۳، ۳۴). زیرا ممکن است عمق روابط باعث شود که افراد نسبت به اسرار و رفت و آمدهای یکدیگر آگاه شوند و امکان ارتکاب جرمی مانند سرقت توسط یکی از همسایه‌ها فراهم شود. علاوه بر تأثیر منفی که ذکر شد، برقراری این روابط سبب می‌شود که افراد یک محل نسبت به یکدیگر شناخت پیدا کنند؛ در این صورت، اگر افراد غریبه و شرور وارد یک محل شوند و قصد ارتکاب جرم داشته باشند، توسط افراد محل شناسایی و به قانون تحویل داده می‌شوند؛ لذا امنیت در آن محل برقرار می‌شود. امام صادق علیه السلام در خصوص رعایت حقوق همسایه فرمودند: «مردی از انصار نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خانه‌ای از فامیلی خریدم و نزدیک‌ترین همسایه‌ام کسی است که به خیرش امید ندارم و از شرش هم مصون نمی‌باشم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام و ابوذر فرمود که در مسجد فریاد بزنند: «ایمان ندارد، کسی که همسایه او از شرش در امان نیست». پس سه بار این مطلب را گفتند. بعد از آن با دست خود اشاره فرمودند تا چهل خانه از پس و پیش و راست و چپ» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ۴۸۷/۱).

مردم باید به توصیه‌هایی که توسط معصومین علیهم السلام در خصوص رعایت حق همسایه تا چهل خانه آمده است، عمل نموده و وظایف خویش را نسبت به همسایگان به‌جا آورند. مردمی که در شهرک‌ها، محله‌ها، روستاها و چادرهای عشایری زندگی می‌کنند، می‌توانند با رعایت حقوق همسایگی از زندگی توأم با آرامش، مودت، اطمینان و اعتماد متقابل برخوردار باشند؛ چنین پدیده‌ای موجب رشد عاطفی، فرهنگی و بهبود ساختار اجتماعی و اقتصادی این نواحی می‌شود. در این صورت، افراد توان تحمل دشواری‌ها و ناملایمات زندگی را خواهند داشت؛ زیرا در هنگام گرفتاری‌ها به یاری هم می‌شتابند و باعث باز شدن گره‌های زندگی یکدیگر می‌شوند (گلی زواره، ۱۳۸۱، ش ۵۰، ۷۱-۷۲). لذا، روابط خوب همسایگان از دو جهت موجب تحقق امنیت می‌شود: از یک سو،

هنگامی که همسایه‌ای در منزل نیست، دیگر همسایه‌ها بایستی مراقب اموال وی بوده تا از دستبرد سارقین در امان بماند. از سوی دیگر، هنگامی که افراد مشکوک در محله‌ای دیده شوند و احتمال ارتکاب جرم توسط آن‌ها فراهم است، می‌بایست توسط همسایه‌ها شناسایی و به نیروی انتظامی گزارش داده شود. عدم حراست، باعث از بین رفتن و ضایع شدن اموال همسایه می‌شود. از امام سجاد علیه السلام در این خصوص نقل شده است: «هر کس حق همسایه‌اش را ضایع کند، از ما نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۶۲۳/۲).

#### ۴. نهاد اخوت و برادری ایمانی

نهاد اخوت، یکی دیگر از نهادهای اجتماعی است که می‌تواند سبب برقراری امنیت در جامعه شود. از جمله اثرات مثبت این روابط، اصلاح ذات البین است. هنگامی که میان برادران دینی خصومتی پیش آید، باید عده‌ای دیگر از برادران ایمانی برای رفع خصومت اقدام نموده و روابط خصمانه آن‌ها را به روابط دوستانه تبدیل کنند؛ لذا وظیفه برادران دینی است که از افراد، در برابر پیامدهایی که ممکن است در اثر این روابط خصمانه به وجود آید، محافظت نمایند. از جمله اثرات منفی که می‌تواند این روابط داشته باشد، ارتکاب جرائم و انحرافات متعددی است که ممکن است در جامعه به وقوع پیوندد، زیرا اگر اصلاح صورت نگیرد، دعوای و تنازعات بالا گرفته تا جایی که ممکن است منجر به وقوع جرح یا قتل شود. در این صورت، امنیت جامعه نیز به مخاطره می‌افتد. اگر اصلاح میان مردم توسط نهاد برادری به خوبی انجام پذیرد، سبب برقراری امنیت در جامعه می‌شود. در آیه ۱۰ سوره حجرات آمده است: «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید».

منظور از ﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ﴾ یعنی بین دو نفری که در حال جنگ هستند، صلح برقرار کنید. بین دو برادر در هنگام دعوا و خصومت، اصلاح دهید و شرّ ظالم را از سر مظلوم کوتاه کنید و به یاری مظلوم بشتابید. منظور از ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾ یعنی از خدا بترسید و در اصلاح دادن آنان کوتاهی نکنید (طبرسی، بی‌تا، ۲۰۵/۲۳ - ۲۰۴ - ۲۰۳؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ۴۷۰/۱۸).

دوستی و از بین رفتن اختلافات دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۰۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۸/۴۳۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ۷/۲۶۳). همچنین، هنگامی که یکی از برادران دینی با مشکلی مواجه شود یا مرتکب خطا و اشتباهی شود که ممکن است عواقب بدی به همراه داشته باشد، بایستی توسط برادران ایمانی خود ارشاد شود، زیرا اگر جلوی اشتباهات کوچک گرفته نشود، زمینه بروز ارتکاب اشتباهات بزرگ‌تر فراهم می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۱۰۸). بر این اساس، مؤمنان هنگامی که با خطا و لغزش برادران ایمانی خود مواجه می‌شوند، باید به‌جای سرزنش، آن‌ها را نسبت به اشتباهاتشان آگاه سازند و درصدد اصلاح آن‌ها برآیند.

### نتیجه‌گیری

از عوامل سلامت روانی و برقراری امنیت، نقشی است که فرد می‌تواند در این حوزه ایفا کند. انسان با پایبندی به اصول اخلاقی در برخورد با هم‌نوعان، می‌تواند زمینه ارتکاب جرائم و انحرافات را تا سطح زیادی کاهش دهد و باعث برقراری امنیت در جامعه شود. در اسلام، یکسری راهکارها برای تحقق امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است که انجام این اعمال توسط فرد، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرائم و انحرافات داشته باشد. این راهکارها عبارتند از: ایمان، به‌کارگیری عقل، کنترل زبان، فرو بردن خشم، عاقبت‌اندیشی، عدم تجسس در زندگی دیگران، از بین بردن فقر. علاوه بر نقش فرد در ایجاد امنیت، در اسلام یکسری نهادهای اجتماعی ایجاد شده است که می‌توانند با انجام درست وظایف خود، باعث برقراری امنیت در اجتماع شوند. این نهادها عبارتند از: خانواده، خویشاوندی، همسایگی، برادری. لذا امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا و عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با فاسدان و مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و رفاه و تأمین معیشت مردم و معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، ۱۴۰۵، عوالی الثالی العزیزة، قم، دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول.
۳. ابن بابویه، محمّد بن علی، ۱۴۱۳، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
۵. ابن طاووس، سید رضی الدین علی، ۱۴۱۵، الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحدیثه)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع لبنان، چاپ سوم.
۷. انصاری، مریم و میرشاه جعفری، ابراهیم، ۱۳۸۹، تأملی بر سازوکار ایمان و امید در زندگی و تأثیر آن بر سلامت روان انسان، دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۴، ش ۶.
۸. آشوری، داریوش، ۱۳۸۷، دانشنامه سیاسی، نشر مروارید، چاپ شانزدهم.
۹. بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، (بی‌تا)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار پیامبر با ترجمه فارسی)، تهران، دنیای دانش.
۱۱. تقوی دامغانی، سیدرضا، ۱۳۸۷، سیره تربیتی حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، تهران، نخیل، چاپ دوم.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۴۱۰، چاپ دوم.
۱۳. حاجی حسینی، حسن، بی‌تا، آسیب اجتماعی غیبت، مجل، کتاب زنان، شماره ۲۰، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۵. حکیم، سید محمد باقر، ۱۳۸۷، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ترجمه موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۶. الحلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، برعایة الحاج السید الابطحی، محمد باقر بن المرتضی الموحّد، باهتمام: سید جلال طیب پور، قم، مؤسسه الامام المهدی علیهما السلام.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۹. رحیمی خورشیدوند، ۱۳۸۸، «نقش خانواده در تأمین امنیت و جایگاه پلیس در ارتقاء آن»، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶.

۲۰. سید رضی، محمد، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مؤسسه نهج البلاغه، قم، چاپ اول.
۲۱. شجاعی، محمد صادق، ۱۳۸۶، «نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو»، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال اول، ش ۱.
۲۲. صادقیان، سید جلال، ۱۳۸۲، درآمدی بر امنیت و ابعاد گسترده آن، شماره ۱.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی، چاپ اول.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۲۷. علیزاده، عبدالرضا، کاویانی، محمد هادی، ۱۳۹۰، حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
۲۸. عمید، حسن، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ شانزدهم.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
۳۰. کریمی، یوسف، ۱۳۹۰، روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، نشر ارسباران، چاپ ۲۶.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۳۲. گلابی، فاطمه و زارع زاده اردشیر، لیلا، ۱۳۹۳، «روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه شهروندان شهر تبریز)»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۲).
۳۳. گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۸۱، «حقوق همسایگان در سیره و سخن نبوی»، علوم قرآن و حدیث، فرهنگ کوثر، شماره ۵۰.
۳۴. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، (بی تا)، عیون الحکم و المواعظ، بی تا.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۰)، بحار الأنوار، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر.
۳۶. \_\_\_\_\_، بی تا، حدود و قصاص و دیات، مصحح: علی فاضل، تهران، مؤسسه نشر آثار اسلامی، چاپ اول.
۳۷. محسنی، رضا علی، ۱۳۸۸، تحلیل جامعه شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال دوم.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۵، میزان الحکمه (اخلاقی، عقائدی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
۳۹. مغنیه، محمدجواد، ۱۳۷۸، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم: موسی دانش، قم، بوستان کتاب قم، چاپ اول.
۴۰. مفید بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۱. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.



۴۲. نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۴، چنگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم.

۴۳. واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.

45. Maslow. A. H. (1987). Motivation and personality. Third edition. by Addison – Wesley Educational Publishers Inc.

